شماره ۴۳ | از تاریخ ۱۴ تا ۲۱ تیر / ۲۲ الی ۲۹ شوال | هفته‌نامه خبری رحمت

هفته نامه رحمت خبری

# هشدار درباره افزایش مهارنشدنی نرخ تورم ایران در چند ماه آینده

# جنگ نفت در خاورمیانه



شاید بتوانیم دلیل بیشترین جنگ‌های منطقه‌ای را بطور مستقیم یا غیرمستقیم به اختلافات و نزاع‌های نفتی نسبت بدهیم. امروز ما در برابر یک جنگ بزرگ نفتی در منطقه قرار داریم؛ جنگی که رژیم ایران می‌خواهد از آن به عنوان ابزاری علیه غرب استفاده کند و رقیبان رژیم ایران نیز می‌خواهند به وسیله آن زمامداران تهران را خفه کنند. اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهوری ایران، سعودی و کشورهای صادرکننده نفت را تهدید کرده که هر کس که بخواهد سهم ایران را در بازار نفت تصاحب کند، خیانت بزرگی درحق ایران مرتکب شده و روزی تاوان آن را خواهد پرداخت. تهدیدهای معاون رئیس جمهوری ایران یک روز پس از مکالمه ........

۱ سخن علمی، با عالمان و دعوتگرانِ نام نهاد

۲ کمبود ۴۰ هزار معلم ابتدایی؛ نهاد فراموش شده آموزش و پرورش

۳ درآمد یک و نیم میلیون ایرانی کفاف خرید غذا را هم نمی‌دهد



۱




۲



۳

# ماموستا عبدالرحمن فتاحی -حفظه الله



لباس‌های پینه برتن و آثار فقر و گرسنگی بر چهره بعضی از مجاهدان "مُضَری" که برای دفاع از اسلام همیشه دست‌بر شمشیر بودند چهره‌ی مبارك و نورانی پیامبر رحیم و رئوف ﷺ را دگرگون کرد و تغییر داد و ایشان را برآن داشت که از منبر بالا برود و به مردم بگوید :

"چرا مجاهدان و مدافعان اسلام در بین شما ثروتمندان، اینگونه زندگی می کنند." و زبان حال و عصبانیت، از زبان مقال هم گویاتر و مؤثرتر بود.

بلافاصله صحابه هم متوجه شدند که وظیفه‌ی دینی آنها چیست ... و چندی نپایید که اموال زیادی را جمع کردند طوریکه باعث شد چهره‌ی مبارك پیامبر ﷺ همچون ماه بدرخشد.

سپس فرمود : [ من سن فی الإسلام سنۀ حسنۀ کان له اجرها و اجر من عمل بها من بعده]هرکس سنت حسنه‌ای را در اسلام بنا کند ضمن کسب پاداش این کارش، پاداش هرکس دیگری که به آن عمل کند نیز برایش نوشته می‌شود.

اما ...

آیا ثروتمندان ایماندارِ اُمت محمد ﷺ نمی‌ترسند که در روز قیامت پیامبر اکرم ﷺ بخاطر بی تفاوتی و عدم مسؤولیت در قبال زنان، کودکان، پیرمردان و مجاهدان فی سبیل الله از آنها عصبانی شود و به سبب عصبانی شدن پیامبر ﷺ،خداوند متعال هم به غضب و سخط بیاید؟؟؟

# جنگ نفت در خاورمیانه

شاید بتوانیم دلیل بیشترین جنگ‌های منطقه‌ای را بطور مستقیم یا غیرمستقیم به اختلافات و نزاع‌های نفتی نسبت بدهیم. امروز ما در برابر یک جنگ بزرگ نفتی در منطقه قرار داریم؛ جنگی که رژیم ایران می خواهد از آن به عنوان ابزاری علیه غرب استفاده کند و دشمنان رژیم ایران نیز می خواهند به وسیله آن زمامداران تهران را خفه کنند.

اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهوری ایران، سعودی و کشورهای صادرکننده نفت را تهدید کرده که هر کس که بخواهد سهم ایران را در بازار نفت تصاحب کند، خیانت بزرگی درحق ایران مرتکب شده و روزی تاوان آن را خواهد پرداخت. تهدیدهای معاون رئیس جمهوری ایران یک روز پس از مکالمه دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و ملک سلمان پادشاه سعودی و توافق آنها بر اتخاذ سیاستی برای حفظ ثبات بازار نفت در صورت تحریم ایران صورت گرفت. در مکالمه ملک سلمان و ترامپ قرار شد که با تحریم نفتی ایران، ریاض روزی دو میلیون بشکه بیشتر از سهمیه خود وارد بازار کند تا ثبات بازار نفت حفظ شود.

علاوه بر اختلافات نفتی ایران با همسایگانش، کاهش قیمت نفت نیز رژیم تهران را رنج می‌دهد به‌خصوص که ظرفیت تولید نفت این کشور به دلیل تحریم‌های ترامپ علیه شرکت‌های نفتی ایالات متحده و جلوگیری او از سرمایه‌گذاری، حفاری، تولید، حمل و نقل و تامین بیمه این شرکت ها در ایران، کاهش یافته است. فشار بر تهران با سفر اخیر پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا به برخی کشورهای واردکننده نفت نیز افزایش یافت. بازار عمده‌ای مانند هند از خرید نفت ایران انصراف داد. از زمان آغاز جنگ اقتصادی علیه ایران، ارزش ریال این کشور به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. تظاهرات اعتراضی به خیابان‌های شهرهای ایران بازگشته است. هفته گذشته تهران شاهد سه روز تظاهرات گسترده از سوی بازاریان علیه اوضاع بسیار بد اقتصادی بود.

تحریم‌های اقتصادی پی در پی تاثیری بسیار چشمگیر بر اوضاع ایران داشت، این روش مطمئنا برای آمریکا و هم‌پیمانانش بسیار به صرفه‌تر و آسانتر از یک درگیری نظامی است که ممکن است به دلیل گسترش نفوذ رژیم تهران و جنگ‌های نیابتی‌اش رخ بدهد. با کاهش درآمد ایران دولت حسن روحانی، عملا رو به سراشیبی گذاشته است که این اوضاع احتمالا با سقوط این دولت پایان خواهد یافت، مگر اینکه خامنه‌ای قبول کند نظام وی کاملا تبدیل به برده غرب شده و از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و غرب از او راضی شوند. در حال حاضر حداقل تا پایان سال جاری بعید به نظر می‌رسد خامنه ای دست به چنین کاری بزند.

تهدیدهای معاون اول روحانی بیشتر متوجه سعودی بود زیرا سعودی با اعلام توانایی برطرف کردن خلاء نفتی در صورت تحریم نفت ایران، قدرت تهران برای مانور جهت



مقابله با تحریم‌ها را خنثی کرد و با اعلام توانایی افزایش تولید نفت، نگرانی بازارهای مهم ایران مانند هند را بر طرف نمود. نفت تنها برگ در دست ایران برای مقابله با فشار آمریکا بود که سعودی مزدور با یک مکالمه ترامپ این برگ را از دست تهران درآورد. مقامات ایران تلاش می‌کردند از طریق تهدید بازار نفت و کمبود عرضه‌ی آن، واشنگتن را وادار کنند تا حداقل از تحریم نفت‌شان صرف نظر کند اما چنین نشد.

البته رژیم ایران می‌تواند از راه‌های غیرقانونی و پیچیده نفت خود را بفروشد اما در مقادیری کم و با قیمتی بسیار پایین، در نتیجه بلافاصله نه تنها با مشکل کمبود درآمد اصلی خود که با آن جنگ‌های منطقه ای خود را در سوریه، یمن، لبنان و غیره پوشش می‌دهد، مواجه خواهد شد، بلکه بعید نیست که حتی از پرداخت حقوق کارکنان خود و حمایت و سوبسید کالاهای اصلی شهروندانش نیز عاجز شود. این شرایط می‌تواند به پایان رژیمی سرعت ببخشد که تقریبا از یک سال و نیم گذشته با بحران‌های داخلی و خارجی مواجه است. بازی نفت در جنگ آمریکایی- ایرانی در منطقه بسیار مهم است. شاید مهمترین سلاح در استراتژی فشار بر ایران برای عقب نشینی و پذیرش دوازده شرط ایالات متحده باشد وگرنه شاید به عامل اصلی برای سقوط رژیم ایران مبدل شود.

فراموش نکنیم که با اعتصاب شرکت نفت ایران و پیوستن کارکنانش به خمینی در جنبش علیه شاه این جماعت توانستند صادرات نفت ایران و فعالیت پالایشگاه هایش را کاهش داده و متوقف کنند؛ با توقف و کاهش صادرات نفت، خروج شاه به یک موضوع داخلی و خارجی تبدیل شد و راه به قدرت رسیدن خمینی و دار و دسته اش را در ایران فراهم آورد.

## کمبود ۴۰ هزار معلم ابتدایی؛ نهاد فراموش شده آموزش و پـرورش

**رحمت - ایران**

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد که «با کمبود ۳۶ هزار و ۳۹۸ معلم در مقطع ابتدایی روبرو هستیم» و «این مقطع تحصیلی از این نظر با چالش‌های زیادی روبروست». در حالی که حکومت شیعی ولایت فقیه به دلیل جنگ با مجاهدان در مناطق مختلف خاورمیانه و همچنین افزایش قدرت طلبی‌هایش، با چالش‌های اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای روبروست و به گفته بسیاری از کارشناسان، اقتصاد این کشور در آستانه فروپاشی است، با این حال، سخنان این مقام مسئول در وزارت آموزش و پرورش به روشنی نشان می‌دهد که نظام ایران تا چه اندازه‌ای به طور بنیادی با بحران ناکارآمدی روبروست. شغل معلمی و در واقع «آموزش» در بسیاری از کشورهای توسعه یافته یا در مسیر توسعه، در ردیف مهمترین شغل‌ها طبقه بندی می‌شود؛ معلمان از حقوق و مزایای کافی برخوردار می شوند تا بدون دغدغه معیشتی تنها بر روی آموزش و تعلیم نسل‌های بعدی متمرکز شوند. در ایران اما معلم‌ها جزو ضعیف‌ترین اقشار اقتصادی جامعه محسوب می‌شوند. در همین اردیبهشت ماه گذشته بسیاری از معلمان شاغل و بازنشسته در اعتراض به حقوق‌های زیر خط فقر معلمان، شکاف حقوقی و بیمه ناکارآمد در تهران و شهرستان‌ها دست به تجمع و اعتراض زدند. نهاد مهم آموزش و پرورش در حالی با کمبود نیروی انسانی متخصص روبروست که تحصیل‌کردگان بسیاری از رشته‌های دیگر، بیکار هستند و هیچ بازار کاری برای آنها وجود ندارد؛ اما هیچ تلاشی برای ایجاد توازن بین نیازهای جامعه، بازار کار و تحصیلات دانشگاهی صورت نمی‌پذیرد. به عنوان مثال، در اواخر فروردین ماه امسال "معاون وزیر راه و شهرسازی" اعلام کرد که حدود ۵۰۰ هزار مهندس عضو سازمان های نظام مهندسی ساختمان، بیکار هستند. تیرماه سال گذشته نیز رییس سازمان نظام مهندسی کشاورزی خوزستان گفت که تنها در همین استان،۸۵۰۰ مهندس کشاورزی از بیکاری رنج می‌برند.سال گذشته نیزیک عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت که «هم اکنون ۰۴ هزار پزشک عمومی بیکار یا شاغل در حِرَف دیگر وجود دارند». با تمام این مشکلات ساختاری، عدم توازن بین بازار کار و دانشگاه، نیروهای مازاد تحصیل‌کرده بیکار و همچنین کمبود شدید نیروی انسانی در نهادهای حیاتی مثل آموزش و پرورش؛ اما مسئولان به جای یافتن چاره‌ای برای این مشکلات، با صرف میلیاردها دلار پول مملکت به فکر حفظ نظام بشار اسد، حمایت از حزب اللات لبنان، حشد شعبی عراق و حماس و چنین گروه‌هایی هستند. این تنها گوشه‌ای کوچک از کیفیت حکمرانی در رژیم ولایت فقیه شیعی است؛ «تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل»

# سخن علمی، با عالمان و دعوت‌گران نــام نهاد

صفحه اول

**رحمت - افغانستان**

بعد از سقوط خلافت عثمانی و برچیده شدن نظام خالص شریعت اسلامی، ناگهان در اطراف کوه‌های هندوکش و در پهنای دشت‌های حاصل خیز افغان زمین نوری درخشیدن گرفت؛ و چشمه‌ای فواره زد. این نور و این چشمه زلال «امارت اسلامی افغانستان» بود. امارتی که در صدد تنفیذ شریعت، و مبارزه با نظام‌های فاسد بود. آمریکای جنایت کار و خون آشام، تاب مشاهده این امارت نو پا را نداشت و به بهانه های واهی، و بدون در دست داشتن مدارک، به این خطه‌ی طاغوت ستیز یورش برد. آمریکا با مشاهده این امارت نو پا، که بدور از تمام تجهیزات نظامی پیشرفته و مدرن بود، گمان می‌برد که ظرف مدت کوتاهی، مخالفان خود را از پای در می‌آورد و نظام جهنمی‌اش را بر این ناحیه حاکم می‌گرداند. غافل از اینکه شیران امارت، تا آخرین قطره‌ی خونشان ایستاده‌اند و اگر بمب اتم ندارند، نیروی ایمان دارند، و اگر بمب شیمیایی ندارند، سلاح‌های استشهادی را در اختیار دارند.

آن زمان که آمریکا در اوج غرور و تکبر قرار داشت، و به همراه چندین کشور قدرت‌مندِ نظامی وارد افغانستان شده بود اصلا فکر صلح، معاهده و میز مذاکره در ذهنش خطور نمی کرد. او حتی خود را بالاتر از این می دانست که سر یک میز، با افراد امارت اسلامی بنشیند.

اما با شروع این جنگِ نا برابر و نا متوازن، تمام معادلات و تصورات خیالیِ آمریکا بر هم خورد. طالبان، که با دستانی خالی به میدان مبارزه با جنگنده‌های «بی ۵۲» آمده بودند، خواب را از چشمان دشمن ربودند و توانستند در یک جنگ فرسایشی، نیروی دشمن را در هم بشکنند و تاکتیک جنگی را به نفع خود به پیش ببرند. دشمن، با مشاهده‌ی این شکست فاحش، راهی به جز فرار ندارد، اما تجربه‌ی روسیه، او را از فرار علنی باز داشته است. بنابراین، به تاکتیک‌های روباه منشانه روی آورده است و اراده دارد آخرین تیر را از کمانش شلیک کند. آمریکا می‌خواهد به عنوان آخرین توان خویش در نبرد با مجاهدان، از افرادی موسوم به عالمان دین (!) استفاده کند.

به همین منظور، و به عنوان مقدمه، نشست هایی در اندونزی و کابل تشکیل داد که نتیجه ای برایش عاید نشد. و اینک، با سوء استفاده از نام حرمین شریفین، نشستی را در مکه مکرمه و جده برگزار می‌کند و علمای نام‌نهادی را از گوشه و کنار گرد آورده است تا علیه جهاد فتوا بدهند. اما چگونه صلح ؟

عالمانِ نام‌نهاد و مجهولی که در کابل گرد هم آمده بودند از طالبان خواستند که به مقاومت پایان بخشند و با آمریکا صلح کنند. آن‌ها این آیه‌ی الهی را تکرار می‌کردند : (وإن جنحوا للسلم فاجنح لها وتوكل على الله) (و اگر دشمن به صلح متمایل شد، پس تو نیز به صلح متمایل شو و بر الله توکل کن.)

این افراد، یا جاهل‌اند و یا خود را به جهالت زده‌اند. چون این مسئله، چنان بدیهی و روشن است که اصلا مجال بحث در آن وجود ندارد، اما باز هم در این نوشتار کوتاه، قصد داریم از باب علمی، با این افراد فتنه افکن به گفتگو بنشینیم. آری، اسلام صلح با کفار را جایز می داند، الله متعال می‌فرماید : (وإن جنحوا للسلم فاجنح لها وتوكل على الله) (واگر دشمن به صلح متمایل شد، پس تو نیز به صلح متمایل شو و بر الله توکل کن.) اما باید دانست که صلح با کفار مقید به شروطی‌ست که با نظر به سیرت نبوی (صلى الله عليه وسلم) و کلام علمای اسلام و سلف امت، می توان از آن‌ها اطلاع یافت. از جمله شروطی که باید در حین صلح با کفار رعایت شوند:

الف : مصلحت مسلمانان و امت اسلامی در صلح نهفته باشد. علامه ابن حجر رحمه‌الله می گوید : «إن الأمر بالصلح مقيد بما إذا كان الاحظ للإسلام المصالحة ، أما إذا كان الإسلام ظاهرا على الكفر ، ولم تظهر المصلحة في المصالحة فلا» [فتح الباري ۶/۲۷۵] (صلح با کفار، منوط به این امر است که مصلحتِ برترِ اسلام در صلح باشد، اما اگر اسلام بر کفر غلبه یافته بود و صلح، خلاف مصلحت بود، پس صلحی با کفار وجود ندارد.)

علامه شیرازی می‌نویسد: «فإن لم يكن في الهدنة مصلحة لم يجز عقدها لقوله عزوجل: «فلا تهنوا وتدعوا إلى السلم وأنتم الأعلون والله معكم.» [المهذب، ۲/۲۵۹] (اگر مصلحت مسلمانان در صلح و معاهده با کفار نبود، پس چنین صلح و معاهده‌ای ناجایز است؛ چنان‌که الله متعال می فرماید: سست نشوید و کفار را به صلح دعوت ندهید در حالی‌که شما برتر هستید. و الله با شماست.) و هم چنین نگاه کنید : [بداية المجتهد از ابن رشد، ۱/۲۸۳]

ب : مسلمانان قدرتی برای مقابله با دشمن داشته نباشند؛ علامه جصاص حنفی رحمه‌الله می‌نویسد: « قال أصحابنا : إذا قدر بعض أهل الثغور على قتال العدو ومقاومتهم، لم تجز لهم مسالمتهم، ولا يجوز لهم إقرارهم على الكفر إلا بالجزية.» (علمای احناف ما گفته‌اند که اگر گروهی از مجاهدان قدرت داشتند که با دشمن بجنگند و از خود مقاومت نشان دهند، برایشان جایز نیست که با دشمن صلح کنند و کفار را بر کفرشان باقی بگذارند، مگر این‌که از دشمن «جزیه» بگیرند.)

اما تمام جهان نظاره‌گرِ فتوحات و پیشروی‌های چشم‌گیر امارت اسلامی افغانستان است. روز به روز، دایره بر دشمن تنگ، و تنگ‌تر می‌شود. روزانه ده‌ها کیلومتر از سرزمین افغانستان فتح می‌شود و از لوث اشغال‌گران و همکاران داخلی‌شان پاک می‌گردد. با داشتن چنین قدرتی، آیا جایز است که با دشمن صلح کنند ؟!

ج و د : کفار حاضر به پرداخت جزیه باشند و یا امید به اسلام‌آوردنِ کفار وجود داشته باشد؛ علامه ابن قدامه حنبلی می‌نویسد: «ولا يجوز ذلك إلا للنظر للمسلمين، إما أن يكون بهم ضعف عن قتالهم، وإما أن يطمع في إسلامهم بهدنتهم، أو في أدائهم الجزية، والتزامهم أحكام الملة، أو غير ذلك من المصالح.» (صلح با کفار جایز نیست مگر این‌که مصلحت مسلمانان در صلح باشد ؛ مثلا این‌که مسلمانان ضعیف باشند و قادر به جنگیدن با کفار نیستند، یا این‌که امید دارند که صلح، منجر به اسلام آوردنِ کفار می‌شود یا سبب دریافت جزیه از آنان می‌گردد و منجر به این می‌شود که در برابر احکام دین گردن بنهند یا مصلحت دیگری وجود دارد.)

هـ : صلح، متضمّن شروط باطل نباشد، چون اگر صلح، متضمّن شرط باطل بود، خودِ صلح نیز باطل می‌گردد. و چنین صلحی از اساس باطل است؛ چون این صلحِ شرم‌آور، منجر به تأیید اشغال سرزمین‌های اسلامی، متوقف کردن جهاد با اشغال‌گران، پذیرش قوانین خودساخته‌ی بشری؛ ترویج فرهنگ‌های پوسیده‌ی غربی؛ آزاد ساختن ربا، قمار، فحشا، بی بندوباری و... می شود و صلحی که متضمّن چنین شروطی باشد، باطل است؛ نبی کریم ـ(صلى الله عليه وسلم) می‌فرماید : «من اشترط شرطاً ليس في كتاب الله، فهو باطلٌ وإن كان مائة شرط» [صحیح بخاری] (شرطی که در کتاب خداوند وجود داشته نباشد، باطل است؛ اگرچه صد شرط باشد).

زیان‌های صلح با دشمنِ اشغالگر :

۱ : چنین صلحی، دست صلیبیان را برای چپاول و غارت ثروت‌های زیرزمینیِ افغانستان باز می کند و سبب قلدری و زورگوییِ بیشتر آمریکا در سطح جهان و خصوصاً کشورهای اسلامی می گردد.

۲ : منجر به تأیید اشغال کشور می‌شود. آیا می شود زمینی را که متعلق به اهل اسلام است، بعد از این همه قربانی و فداکاری، و ریختن خون‌های پاک شهدا، دو دستی به کفار تحویل بدهیم؟ زمین، و خصوصاً سرزمین‌های اسلامی را بندگان نیک به ارث می‌برند نه جنایتکارانِ قرن؛ الله متعال می‌فرماید : {ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون.} (و ما در زبور بعد از تورات نوشته ایم که: این زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند.) نه آمریکای جنایتکار.

۳ : فساد و فحشا را بیش از پیش در کشور اسلامی ترویج می‌دهند و افغانستان را مرکزی برای فساد در خاورمیانه قرار می‌دهند.

۴ : نظام باطل جمهوریِ خیالی خویش را در کشورمان کاملاً تثبیت می‌کنند و به نام جمهوریت و آزادیِ فردی، شعایر اسلام را از بین می‌برند.

۵ : صلح با دشمن، چراغ سبزی است برای حمله ی آمریکا به سایر کشورهای اسلامی.

اما نگاهی داشته باشیم به صلح های پیامبر خدا (صلى الله عليه وسلم) با کفار :

الف : هنگامی که در غزوه خندق مسلمانان به شدت در تنگنا قرار گرفتند، پیامبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) دو فرمانده غطفان «عینیه بن حصن بن حنیفیه بن بدر» و «حارث بن ابی عوف مزنی» را طلب نمود و وعده‌ی یک‌سوم میوه‌های مدینه را به آن‌ها دادند، به این شرط که به همراه قبیله خود دست از سر اذیت و آزار مسلمانان بکشند و علیه آن‌ها قیام نکنند. در میان آن‌ها صلح برقرار شد ولی شهادت و گواهی هنوز صورت نگرفته بود. در این حین پیامبراکرم ـ صلى الله عليه وسلم ـ سعدبن معاذ و سعد بن عباده را طلبیده و از آن‌ها مشوره گرفت [سپس حدیث را مفصلاً بیان می کند که قسمتی از آن به شرح زیر است] : شما مطلع هستید که همه عرب‌ها با یک کمان، ما را هدف قرار داده‌اند؛ آیا شما موافق هستید که قسمتی از میوه‌های مدینه را به آن‌ها بدهیم؟ گفتند : یا رسول الله! اگر این ایده و نظریه‌ی شما است، پس ما حرفی نداریم. ولی ما در جاهلیت به جز خرید و مهمانی، به اینها یک خرما هم نمی‌دادیم در حالی‌که ما کافر بودیم. اما حالا خداوند ما را با اسلام عزت بخشیده است. پیامبر ـ صلى الله عليه وسلم ـ با شنیدن سخنان‌شان مسرور و شادمان گشت.

ملاحظه نمودید که انصار احساس نمودند در این پیمان، ذلت و خواری وجود دارد. چنان‌که در بعضی روایات آمده است: «ما به جز شمشیر به شما چیزی نمی‌دهیم.» به همین خاطر حاضر به صلح و معاهده نشدند. ما نیز حاضر هستیم در اقتدا و تأسی از پیامبر خدا (صلى الله عليه وسلم) با کشورهایی صلح کنیم که در پیمان «ناتو» عضو هستند، اما اولین شرط این است که از همکاری با این پیمانِ اسلام ستیز و ضدّ حقوق بشری (ناتو) دست بکشند و به اشغال کشور ما پایان دهند، نه این‌که با آنان صلح بکنیم مبنی بر این‌که در کشور ما باقی بمانند؛ فرهنگ‌های خود را ترویج بدهند؛ جوانان ما را به فساد بکشند و ثروت کشور ما را به تاراج ببرند!! نکته مهم در این حدیث این است که پیامبر خدا (صلى الله عليه وسلم) اراده نکرد که

## صفحه دوم

با قریش (که اشغال‌گر بود) صلح کند، بلکه اراده داشت با غطفان (که جزو پیمان و تحالف مشرکان نبود) صلح کند تا از همکاری با اشغال گر باز آیند.

ب : پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم) در صلح حدیبیه با کفار قریش صلح نمود، اما این گونه نبود که کفار مدینه را اشغال کنند، و آنگهی پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم) با اشغال‌گران صلح کند، بلکه پیامبر می‌خواست وارد بزرگ ترین شهر کفار در سرزمین حجاز بشود ولی آن ها مانع ورودش شدند؛ لذا پیامبر با آن‌ها صلح نمود. هرگاه ما آمریکا را محاصره کردیم و دشمن تقاضای صلح نمود، ما نیز به تأسی از روش پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حاضر هستیم با رعایت شروط با آن‌ها صلح کنیم. «وما ذلک علی الله بعزیز».

ج : پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم) بعد از هجرت به مدینه، با یهودیان صلح نمود و پیمان بست، اما اگر کتاب‌های سیرت را مطالعه کنیم متوجه خواهیم شد که مسلمانان غالب بودند و یهودیان ضعیف. آن‌ها موظف بودند که از مسلمانان در برابر تهاجم بیگانگان دفاع نمایند، نه این‌که یهودیان مدینه را اشغال کنند و آن‌گاه پیامبر به خاطر حفاظت جان خویش و نزدیکانش با یهودیان پیمان صلح امضا نماید.

تفاوت حکم صلح در جهاد ابتدایی و دفاعی: تمام امور فوق در صورتی بود که کشوری از کشورهای اسلامی اشغال نشود و جهاد در مرحله‌ی فرض کفایی قرار داشته باشد، اما اگر سرزمین اسلامی مورد اشغال و تهاجم قرار گرفت جهاد فرض عین می‌گردد؛ شیخ الاسلام علامه ابن تیمیه رحمه الله می‌نویسد : «و أما قتال الدفع فهو أشد أنواع دفع الصائل عن الحرمة والدين واجب اجماعاً، فالعدو الصائل الذی يفسد الدين والدنيا لاشیء أوجب بعد الإيمان من دفعه» (اما جهاد دفاعی، شدیدترین نوع دفع و راندن غارتگرانِ ناموس و دین است و [این نوع جهاد] به اجماع علما واجب است؛ پس دشمن غارتگری که دین و دنیا را به فساد و تباهی می‌کشد، بعد از ایمان، هیچ چیزی واجب‌تر از دفع و راندن او نیست.) در «فتح العلي المالک» آمده است: «هر گاه خلیفه با مسیحیان پیمان صلح را منعقد نمود ولی مسلمانان به جز جهاد، به چیز دیگری رضایت نداشتند، پیمان صلح و آتش بس او نقض می گردد.» [فتح العلی المالک، باب الجهاد: ۲۸۹/۱] [هم‌چنین نگاه کنید: مختصر ابن کثیر: ۱۴۴/۲؛ حاشية ابن عابدين: ۲۳۸/۳؛ بدائع الصانع: ۷۲/۷؛ بحر الرائق: ۱۹۱/۵؛ فتح القدير: ۱۹۱/۵؛ حاشیه دسوقی: ۱۷۴/۲؛ نهاية المحتاج: ۵۸/۸؛ المغنی: ۳۴۵/۸؛ أحكام القرآن ۴/۴۱۲]

حال سؤال از این علمای نام‌نهاد این است که : آیا کشور ما مورد اشغال قرار نگرفته است؟ آیا این صلیبیان، و در رأس‌شان آمریکا خیرخواه ما هستند ؟ آیا مگر در طول تاریخ، صلح با صلیبیان، نتیجه‌ای جز خسارت و زیان در برداشته است؟ آیا این افرادِ به اصطلاح عالم(مزدور) !! نمی‌دانند که صدها مسلمان به جرم بی‌گناهی و یا دفاع از دین، ناموس و عقیده‌شان در دست صلیبیان اسیر هستند؟ آیا مگر نمی‌دانند که رها ساختن اسیران از دست کفار، در صورتی که هنوز در شهرهای اسلامی هستند، فرض عین می‌باشد؟ امام نووی رحمه الله می‌نویسد: «فإن كانوا [الأسراء المسلمون] على قرب دار الإسلام وتوقّعنا استخلاص من أسروه لو طرنا إليهم فعلنا.» [الروضة، ۱۰/۲۱۶] (اگر اسیر مسلمان هنوز در نزدیکی دارالإسلام قرار داشت و [هنوز به دار الکفر منتقل نشده بود،] و امید آزادسازی‌اش وجود داشته باشد، اگر بتوانیم پرواز می‌کنیم و آن ها را آزاد می سازیم.) علامه عزّ بن عبدالسلام رحمه الله می گوید : «وإنقاذ أسرى المسلمين من أيدي الكفار من أفضل القربات، وقد قال بعض العلماء: إذا أسروا مسلماً واحداً وجب علينا أن نواظب على قتالهم حتى نخلصه أو نبيدهم، فما الظن إذا أسروا خلقاً كثيراً من المسلمين.» [أحكام الجهاد وفضائله ص/۹۷] (آزاد ساختن اسیران مسلمان از چنگ کافران، از والاترین قربت‌هاست. حتی بعضی از علما گفته‌،اند: اگر کفار، یک نفری را از مسلمانان اسیر کردند، بر ما فرض است که به جنگ با آن‌ها ادامه دهیم تا وقتی که اسیر را آزاد کنیم و آن‌ها را ریشه‌کن سازیم. این حکم، در رابطه با یک اسیر است، چه رسد به این‌که افراد زیادی را از مسلمانان اسیر کنند.)

حال، این افرادِ به اصطلاح عالم، بنگرند که زندان های صلیبیان در افغانستان، مملو از اسیران مسلمان هستند. آیا آزاد سازیِ آن‌ها فرض نیست؟ آیا می‌شود با چنین دشمنی صلح کنیم ؟ روی چه حسابی صلح کنیم؟ هیچ عقل سلیمی این منطق نازیبا و این پیشنهاد نابجای شما را نمی‌پذیرد و در اخیر، کسانی که را که سنگ دین را بر سینه می‌زنند مورد خطاب قرار می‌دهم : کجایید ای مدعیان وراثت انبیا ؟ چرا در صفوف دفاع از میهن اسلامی به چشم نمی خورید ؟ قرآن کریم مملو از احکام جهاد است، چرا از آن‌ها پیروی نمی‌کنید ؟ آیا فقط باید عموم مردم بر قرآن عمل کنند و شما از این کار معاف هستید ؟ چرا علم و آگاهیِ بیشتر، شما را وادار به شرکت در میدان جهاد و دفاع از خاک اسلام نمی‌کند ؟ چنین علم و دانشی، به پشیزی نمی‌ارزد ؛ چنانکه اقبال لاهوری می‌سراید :

من آن علم و فراست با پر کاهی نمی‌گیرم / که از تیغ و سپر بیگانه سازد مرد غازی را

قابل ذکر است : روی سخن در این یادداشت کوتاه، به افراد به اصطلاح عالم می‌باشد. آنانی که در دربار ترامپ، عالمان و شیوخ حدیث نامیده می‌شوند، اما امت، آن‌ها را به چشم مزدور نگاه می‌کند. خوشبختانه جهاد کنونیِ طالبان، مورد تأییدِ قریب به اتفاق علمای مطرح جهان اسلام است. این جهاد، توسط علما پایه‌ریزی شد، توسط آن‌ها تأیید و پشتیبانی شد و حالا نیز توسط علما به پیش می‌رود.

به امید پیروزیِ حق بر باطل، و برباد شدنِ تمام توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنِ اشغال‌گر. {والله غالبٌ على أمره ولكن أكثر الناس لا يعلمون}

# هشدار درباره افزایش مهارنشدنی نرخ تورم ایران در چند ماه آینده

**رحمت - ایران**

سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس هشدار داده که اگر دولت از عهده افزایش ارزش پول ملی بر نیاید، نرخ تورم در چند ماه آینده غیر قابل مهار می‌شود.

سعید باستانی سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس معتقد است دولت باید بر اساس نرخ مصوب دلار، نرخ تورم را اعلام کند و از آنجایی که نرخ دلار ۴۲۰۰ تومان مصوب شده است بنابراین دولت نمی‌تواند نرخ تورم را بر اساس کاهش ارزش پول ملی اعلام کند. سعید باستانی توضیح داده است: «دولت چنین استدلال می‌کند که برای واردات سویا ارز ۴۲۰۰ تومان اختصاص می دهد بنابراین نرخ تورم را باید با همین عدد تعیین کند اما واقعیت جامعه با استدلال دولت همخوانی ندارد.»




عضو هیات رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس با تاکید بر اینکه واقعیت بازار نرخ دیگری از تورم را منعکس می‌کند گفته است: «در واقع نرخ تورم ۲ رقم دارد، نرخ دولتی و نرخ واقعی، نرخ واقعی ناشی از تلاطم بازار است و نرخ دولتی بر پایه نرخ مصوب دلار است.» سعید باستانی همچنین افزوده است از آنجایی که هیچ کجای دنیا دو نرخ تورم را نمی‌پذیرد دولت نمی‌تواند دو نرخ تورم واقعی و دولتی را ارائه کند، به همین جهت نرخ تورم را با دلار۴۲۰۰ تومان اعلام می‌کند که منطبق بر واقعیت بازار نیست. به اعتقاد سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس اگر دولت نتواند نرخ تورم را بر پایه ارزش پول ملی مدیریت کند این نرخ تشدید می‌شود و در نهایت دولت ناچار خواهد بود نرخ تورم را بر اساس شرایط واقعی و بی توجه به دلار ۴۲۰۰ تومان اعلام کند. سعید باستانی همچنین گفته است: «در حال حاضر نرخ تورم دو رقمی است و اگر همین شرایط تداوم پیدا کند ظرف مدت ۵ ماه نرخ تورم غیر قابل مهار می‌شود با این حال امید است که دولت وضعیت ارزش پول ملی را به شرایط قبل برگرداند و نرخ تورم را مهار کند.»

پیشتر نیز دیگر کارشناسان اقتصادی در مورد واقعی نبودن نرخ تورم اعلامی از سوی مراکز آمار اظهار نظر کرده بودند. همچنین بسیاری از مردم نیز با توجه به روند افزایش قیمت‌ها نرخ تورم اعلام شده از سوی دولت را نادرست و پایین‌تر از میزان واقعی تورم می‌دانند.

برای مثال دولت نرخ تورم خردادماه ۹۷ را ۸/۲ درصد اعلام کرده است؛ با این وجود در سال منتهی به خردادماه قیمت بسیاری از مواد غذایی رشدی چند برابر بیشتر از ۸/۲ درصد را تجربه کرده‌اند و همچنین افزایش اجاره بهای مسکن در سال منتهی به خرداد ۹۷ دست کم ۳۰ درصد عنوان شده است.

# درآمد یک و نیم میلیون ایرانی کفاف خرید غذا را هم نمی‌دهد

**رحمت - ایران**

معاون وزیر رفاه ایران می‌گوید، درآمد بیش از یک و نیم میلیون نفر حتی "تکافوی تأمین تغذیه‌ای آن‌ها را هم نمی‌کند." او می‌افزاید، ۳۳ درصد جمعیت ایران نیز توان تأمین نیازهای زیربنایی مانند بهداشت و درمان و آموزش را ندارند. احمد میدری، معاون وزیر رفاه ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس آمار جدیدی از میزان فقر در کشور ارائه کرده است. او می گوید، نهادهای جهانی شمار فقیران مطلق در ایران که توان خرید غذا را نیز ندارند ۴ درصد کل جمعیت می‌دانند، اما "به باور ما این رقم ۲ درصد است." او با اشاره به یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری خط فقر که همانا میزان درآمد افراد است شمار افراد درگیر فقر نسبی که توان تأمین حداقل‌های بهداشت و درمان، آموزش و سایر امور زیربنایی را ندارند را ۳۳ درصد خوانده است. میدری تأکید کرد: «در ایران خط فقر مطلق را تا سطح استان‌ها اندازه‌گیری می کنند و به شهرستان‌ها نمی‌رسد و باید اطلاعات این مقوله به سطح شهرستان‌ها برسد و خط فقر شهرستان‌ها استخراج و نتیجه‌گیری شود.» او افزود: "ممکن است در شهرستان‌هایی درآمد یک میلیون تومان در ماه به دلیل این که ساکنان دارای خانه شخصی هستند و هزینه های جانبی مثل حمل و نقل و تفریح گران ندارند برایشان مناسب باشد اما در تهران حتی درآمد ۲ و نیم میلیون تومان در ماه نیز تکافو نکند." معاون وزیر رفاه ایران با اشاره به وظیفه دولت برای برطرف کردن یا کاهش فقر به ویژه از محل درآمدهای نفتی گفت: «شاید در روش هزینه کردن پول نفت برای برطرف کردن و کاهش دامنه فقر اختلاف داشته باشیم اما نباید درباره این که منابع باید به این مقوله اختصاص داده شود اختلاف دیدگاه باشد. به این مسئله توجه کنیم که اگر درآمد حاصل از صادرات نفت در این محل هزینه نشود در کجا و برای چه کاری هزینه خواهد شد.» او با اشاره به بحران بی‌آبی که در بسیاری از مناطق کشور به شدت مشکل‌آفرین شده گفت: «این که شهروندان ایرانی با قیمت‌های مناسب به آب شرب قابل مصرف و ناآلوده دسترسی داشته باشند حق آن‌هاست. اما وقتی دولت می خواهد در این مقوله هزینه کند دست و پایش می‌لرزد اما برای پرداخت کمک به بنگاه‌ها هرگز تردید نمی‌کند.» ۸۰ درصد جامعه زیر خط فقر؛ در اواخر سال ۹۶ شهاب نادری، نماینده مجلس با اشاره به روند افزایشی گزارش‌های تکان‌دهنده از اوضاع معیشتی مردمی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، خط فقر را طبق گفته کارشناسان و برخلاف نظر وزارت رفاه برابر دو و نیم میلیون تومان در ماه دانست. او وزارت رفاه را به ناکارآمدی متهم کرد و گفت: «۸۰ درصد از جامعه ایران زیر خط فقر به سر می برند». نادری همچنین با اشاره به گستردگی مشکل بیکاری گفت که این معضل با خود پیامدهایی مانند مشکلات امنیتی و آسیب‌های اجتماعی را به دنبال می‌آورد. این آمار در حالی اعلام می‌شود که ایران در آستانه تحریم‌های جدید آمریکا قرار دارد. بسیاری از کارشناسان اعلام کرده‌اند که با خروج آمریکا از توافق اتمی و بازگشت تحریم‌ها روزهای سختی در انتظار ایران است و باید منتظر فقر دامن‌گیر و سقوط بیش از پیش ارزش پول ملی بود.

## شهدای "حرکت مهاجرین اهل سنت ایران" در شام (سوریه)


ابوقائد کوردی


ماموستا ابوبکر توحیدی (ابومحمد کوردی)


ابوشکیل کوردی


مولوی عبدالکریم بلوچی


ابوایمن کوردی


ابودرداء کوردی


سالم کوردی


کریکار کوردی


محمد فاتح کوردی


یونس کوردی


عبدالرؤوف کوردی


سیف الاسلام بلوچی


زبیر کوردی


ابوسعد کوردی


ابوصادق کوردی


ابوتراب کوردی


ابودرداء کوردی


انس بلوچی


ابوحارث کوردی


ابوعمر بلوچی


میکائیل بلوچی


ابوطارق اهوازی (ابوطلحه)


مهاجر کوردی


ابوصفیه بلاروسی


ابومحمد إمامی


ابویحیی بلوچی


جابان کوردی


عبدالرئوف کوردی

# شیخ الاسلام ابن تیمیه-رحمه الله و جهاد تاتار

**اگر شما به شام و پاسداری از آن پشت کنید سلطانی را برپا خواهیم کرد که آن را دربر گیرد و از آن پاسداری کند.**

هنگامی که سلطان مصر از بیرون بردن سپاه بر ضد تاتارها در شام به درنگ افتاد و از یاری رساندن به مسلمانان کوتاهی کرد ابن تیمیه به سوی او حرکت کرد تا به مصر رسید، و سلطان و همراهانش را بر پیکار و جهاد در راه خدا تشویق کرد، و به سلطان گفت : اگر شما به شام و پاسداری از آن پشت کنید سلطانی را برپا خواهیم کرد که آن را دربر گیرد و از آن پاسداری کند.

و در سخنی واضح و گویا به وی گفت : اگر (اینگونه از جانب خداوند) مُقدّر شده است که حاکم و پادشاه شام نیستید و اهل آن از شما یاری طلبیدند پس یاری رساندن (به آنها) بر شما واجب می‌گردد، پس چگونه خواهد بود در حالی که شما از حکام و سلاطین آن هستید؟ ( البدایة والنهایة ١٤/١٨ )

و پیوسته آنها را تشویق می‌کرد و موعظه می‌داد تا اینکه سپاه‌های بزرگ مسلمانان از مصر خارج شد و پرچم‌های مسلمانان در شام با هم در آمیخته شد.

و در اینجاست که ابن تیمیه نقش مهم علما در تاثیرگذاری بر سلاطین که از یاری رساندن به اسلام و مسلمانان دست برداشته‌اند را نشان می‌دهد، و آنها را ملزم به دفاع از سرزمین مسلمانان می‌کند و همچنین مقدم داشتن مصالح اسلام بر مصالح شخصی.

# درعا می سوزد

از تاریخ ۲۵ اردیبهشت تا ۱۶ تیرماه ۱۳۹۷

## شهید

۲۵۰+

نفر

زن ۵۰

کودک ۷۰

## زخمی

۷۰+

نفر

## آواره

۳۵۰ هزار

نفر

جنایت رژیم اسد - ایران و روسیه در حق مردم مظلوم اهل سنت در استان درعای سوریه


هفته نامه رحمت

اینفوگرافیک

تیر ۱۳۹۷ هـ.ش